



روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

گفت‌وگوی صبا با مریم نامدار هنرمند نقاش

نقاشی ایرانی همیشه هنری روایتگر بوده است



احمد رضا حجازی زاده - روز جمعه، ۱۴ اردیبهشت ماه در گالری «نقش جهان»، در نمایشگاهی با عنوان «افکار»، از نقاشی‌های «مریم نامدار» رونمایی شد. نامدار در تازه‌ترین نمایشگاه خود، ۲۰ تابلو انتزاعی را با تکنیک اکرولیک روی بوم و در سبک آبستره (انتزاعی) روی دیوار برده است. این هنرمند که فارغ التحصیل رشته هنرهای تجسمی است، پیش از این آثارش را در برخی نمایشگاه‌های گروهی نظیر منتخب آثار گالری «کانون» (اصفهان)، منتخب آثار گالری «آر تی بی بی شین»، گالری «هفتا»، «داوودی» و «زرنا» به نمایش گذاشته بود. برگزاری نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های مریم نامدار با عنوان «افکار»، بهانه‌ای شد تا سری به گالری نقش جهان واقع در نیاوران بزنیم و با خالق این آثار خلاقانه و تماشایی به گپ و گفت بنشینیم.

چگونه از چه زمانی به نقاشی علاقه مند شدید و آن را به صورت جدی دنبال کردید؟

هنر در خانواده ما تقریباً از ژنی است. رشته دبیرستانم نقاشی بود و در دانشگاه هنرهای تجسمی خواندم؛ رشته‌ای که شامل عکاسی، گرافیک، مومت، تاریخ هنر و... بود. جدای از این‌ها تمام سال‌های زندگی‌ام درگیر جهان تجسمی بوده‌ام و علاوه بر پرداختن به احوالات روحی و جست‌وجو و کنکاش‌های ذهنی، منبع درآمد بوده؛ غیر از نقاشی، در زمینه طراحی لباس، نقاشی روی شیشه و سرامیک و بسیاری از شاخه‌های مرتبط دیگر نیز فعالیت داشته‌ام.

معمولاً ایده آثارتان را چگونه پیدا می‌کنید و چه عواملی در شکل‌گیری نقاشی‌ها نقش دارند؟

آثار آبستره، ایده یا داستان روشنی ندارند و بازتاب مستقیم احوالات هنرمندند. آبستره از ایده پردازی و بیان سمبولیک رایج در جهان تجسمی معاصر فاصله می‌گیرد و محصول غلیان ناگهانی عواطف نقاش است. همه چیز به موقعیت انسان هنرمند در زندگی‌اش برمی‌گردد؛ به احوالات خوش و ناخوش او و جهانی که در آن دست‌وپا می‌زند. با نگاهی ساده به پالت من، متوجه کنتراست شدید رنگ‌ها می‌شوید. نقاش‌ها کم‌تر در مورد آثارشان حرف می‌زنند. شاید بهتر باشد من هم چیزی در مورد کارهایم نگویم و همه چیز را به مخاطب واگذار کنم، چون ما حرف‌های مان را طوطی دیگری می‌زنیم.

آیا در پروسه اجرای تابلوها، قصد داشتید با خلق آثار انتزاعی، تماشاگران را به تفکر دعوت بکنید یا بیش‌تر تکنیک و زیبایی‌شناسی هنری نقاشی‌ها برای شما مهم بود؟

نام نمایشگاه ابتدا «آشوب افکار» بود که به «افکار» تغییر کرد. احساس کردم کلمه آشوب بار منفی زیادی دارد و شاید به بیننده حس ناخوشایندی بدهد اما در فرایند خلق هر اثری باید هم به جنبه‌های تکنیکال و هم به جنبه‌های مفهومی آن توجه برابر داشت، ولی خلق زیبایی یا بیان بصری و حسی برای من اولویت داشت. آثار ما باید پیش از تامل برانگیز بودن، احساس مخاطب را متاثر بکنند.

با توجه به تصور معمول مردم از هنر نقاشی، فکر می‌کنید آثار انتزاعی چه قدر از سوی بازدیدکنندگان عمومی درک و استقبال می‌شوند؟

هنر نقاشی ایرانی از ابتدا هنری روایتگر بوده و حتی مدرن‌ترین آثار معاصر ما از زیر سیطره این نگاه‌ها بی‌نیافته‌اند. با توجه به این سابقه فرهنگی و حافظه تجسمی نمی‌توان از مخاطبان خاص و عام توقع بازخورد مثبتی داشت. متأسفانه این روزها نقاشان بازاری به دلیل ضعف در بیان بصری روایی به سمت قرائتی دکوراتیو از آثار آبستره روی آورده‌اند و منزلتی برای این نگاه‌نقاشانه باقی نگذاشته‌اند. با این حال مخاطبان باهوش متوجه تفاوت بن‌مایه‌های یک اثر آبستره اصیل با یک اثر دکوراتیو می‌شوند. البته با توجه به رشد چشمگیر کمی‌گالری‌ها در چند سال گذشته می‌توان به تربیت چشم مخاطبان هنر امیدوار بود. من هم امیدوارم مخاطبان این مجموعه با بخشی از جهان من ارتباط بگیرند. معمولاً برای برگزاری نمایشگاه با چه مسائل و مصائبی روبه‌رو هستید؟

اجازه بدهید بی‌تعارف و صادقانه بگویم، سوای تعداد اندکی از گالری‌دارهای هنر دوست و هنر پرور، اغلب صاحبان گالری به دنبال دلالتی هنر و سودجویی‌های خود بوده و پیشیزی برای جهان هنر ارزش قائل نیستند! آنها به جای توسعه و ترویج هنر، به تحمیل سلاقی و خواسته‌هایشان دست می‌زنند و درگیر خرید و فروشند. البته اقتصاد در هنر از واجبات غیر قابل انکار است اما باز گذاشتن در چپ‌های برای ارائه آثار صرفاً هنری نیز ضروری است. یک هنرمند خلاق، ولی گمنام در چرخه مافیای تجسمی معاصر راه به جایی نمی‌برد. متأسفانه جای هنرشناسان

و منتقدان منصف هنری مشتکی دلال نشسته‌اند و عرصه را بر نسل نوی هنر معاصر تنگ کرده‌اند. از این‌رو اغلب دوستان به نمایشگاه‌های گروهی روی آورده‌اند. مخلص کلام این‌که جای امیدواری نیست. هر چه به لحاظ کمی، تعداد گالری‌ها بیشتر می‌شود، به لحاظ کیفی نگاه بصری هنرمندان به هم شبیه و شبیه‌تر می‌شود و این اتفاق فاجعه‌بار است.

وضعیت امروز هنرهای تجسمی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این پرسش شما، خیلی سخت است و یک میزگرد با حضور اهالی هنر و اساتید صاحب‌نظر را می‌طلبد اما نظر به توسعه روزافزون دانشکده‌های هنری و گالری‌ها و آتلیه‌های آموزش تجسمی و جهان اینترنت، روزنه‌های کوچک دیروز به پنجره‌هایی بزرگی بدل شده‌اند و امکانات معرفی و ارائه آثار پیش از پیش شده است. تعداد جشنواره‌های تجسمی چندبرابر گذشته شده و زمینه برای رشد و معرفی هنرمندان این حوزه هموار و مساعد است اما با این همه تحمیل برخی سلاقی بر نسل نوگرای امروز ممکن است منجر به مرگ خلاقیت هنرمندان جوان روزگار ما بشود. گرچه هنر نقاشی امروزه بسیار متنوع‌تر و جسورتر از هنر دهه‌های پیشین است و حتی در مقام مقایسه با کشورهای دیگر می‌توان مدعی شد هنر نوگرای ایران در صد سال اخیر با هنر جهان برابری می‌کند و نقاشان بزرگ فراوانی در این چند دهه داشته‌ایم که مایه مباهات تاریخ هنر ایران هستند.

چه راهکاری دارید تا عموم مردم توجه بیشتری به هنرهای تجسمی، بخصوص نقاشی نشان بدهند، به نمایشگاه‌ها بیایند یا حتی آثار هنرمندان را خریداری کنند؟

برای توسعه و ترویج هنر و عمومیت دادن به آن چاره‌ای جز این نیست که کار رسانه‌ای شود. صداوسیما به عنوان بزرگ‌ترین رسانه ملی با دستگاه عریض و طویل خود هیچ تمایلی به آموزش و انعکاس و توسعه فرهنگی دنیای تجسمی ندارد. نه به سبک‌شناسی هنر می‌پردازد، نه به آموزش تجسمی، نه به پوشش خبری گالری‌ها تن می‌دهد و جز چند برنامه آموزشی سطح پایین در شبکه‌های مهجور خود هیچ کاری نمی‌کند. همه آن‌چه در جهان تجسمی ایران رقم خورده و می‌خورد، محصول تلاش بخش خصوصی است و با توجه به اقتصاد فلج این روزها، به همین هم قانعیم.



این بازی را در سینما ببینید!
پرویز خان
نویسنده و کارگردان: علی ثقفی
تهیه‌کننده: عطا پناهی